



شما و ما

اینجا هم قراره حق ما ضایع بشه؟

آقای سعید پیرمرادی نوشته‌اند: سلام؛ غرض از مزاحمت پیگیری چاپ مقاله‌ام (گفت‌وگوی باکتری‌ها) بود که قرار بود در شماره ۹۵ تابستان امسال چاپ بشه، ولی چاپ نشده. چرا؟ اینجا هم قراره حق ما ضایع بشه؟ والا دیگه خسته شدیم. چقدر من منتظر چاپ بمونم؟ طبق ایمیلی که برا من فرستادید در شماره ۹۵ تابستان ۹۳ باید چاپ می‌شد. لطفاً جواب ما را بدید.

پاسخ

مقاله شما (گفت‌وگوی باکتری‌ها) در صفحات ۱۱ تا ۱۳ شماره ۹۵ چاپ شده و حتی چند ماه است که در وبلاگ مجله هم اعلام شده است. لطفاً یک بار دیگر با دقت بیشتر این شماره از مجله را ورق بزنید؛ در ضمن ارسال مقاله حقی برای فرستنده ایجاد نمی‌کند. در انتظار آثار مناسب دیگری از شما هستیم. موفق باشید.

رده‌بندی لینه‌ای
نامی دیگر است
که منتقدان
میر بر رده‌بندی
مورد نظر او
گذاشته‌اند، چون
اعتقاد داشتند
رده‌بندی میر به
هیچ وجه مبتنی
بر تکامل و نظر
داروین نیست

آقای مجتبی مقصودی درباره سر مقاله شماره پاییز ۹۳ چنین نوشته‌اند:

مقاله زیبایی بود. اما تا حدی با انواع مقاله‌نویسی‌ای که من میدانم متفاوت است. معمولاً مقالاتی که من می‌نویسم یک مقدمه و معرفی کوتاه دارند، یک متن اصلی و یک جمع‌بندی، نتیجه‌گیری یا پیشنهادها. اما مقاله شما نوع خاصی از مقاله‌نویسی است که در آن نوعی تعلیق داستانی هم دیده می‌شود. یعنی تا ۴ سطر آخر مقاله خواننده نمی‌فهمد هدف شما از نوشتن آن چیست و حرف اصلی را در دو سه سطر آخر می‌زنید. بدین ترتیب، تمام مقاله مقدمه‌ای می‌شود برای دو سه سطر آخر مقاله. صفحه اول مقاله‌تان که در واقع برای جلب توجه خواننده نوشته شده و نوعی مقدمه است، نیمی از کل مقاله را به خود

اختصاص داده است، در حالی که خودش را هم می‌توان یک مقاله کامل و مستقل دانست. مقدمه (سه سطر اول)، متن (تا قبل از تصویر کبک) و جمع‌بندی چند سطر بعد از تصویر کبک. صفحه دوم هم خود یک مقاله کامل است که با این جمله مقدمه‌ای شروع می‌شود: «رنگ‌بینی یکی از موهبت‌های خداوندی است...» تا پایان ستون سمت راست یک مقاله کامل می‌شود که شامل مقدمه، متن و حتی نتیجه‌گیری پایانی مقاله است. بعد مقاله ضربه آخر را می‌زند و خواننده را شوکه می‌کند که هم این مقدمات یک و نیم صفحه‌ای برای آن است که به او بگوییم مجله رشد آموزش زیست‌شناسی زین پس چهار رنگ چاپ خواهد شد. این هم یک برداشت روزنامه‌نگارانه برای من از شیوه‌های متفاوت نوشتن مقاله!

جایی برای پیرمردها: هست یا نیست؟

به دنبال انتشار مقاله «جایی برای پیرمردها نیست» در شماره پاییز ۹۳، چند نظر درباره آن رسیده است. یکی از خوانندگان نوشته‌اند:

... اگر منظور تان از «رده‌بندی تکاملی» (نظر به استنادتان به فلسفه «سقراط» که البته احتمالاً منظور تان افلاطون است و بعدها به نحو نظام‌مندتری ارسطو بوده؛ چون سقراط نظام مشخصی را که

بشود به آن استناد کرد، تدوین نکرده است)، همان رده‌بندی مبتنی بر «ذات‌باوری» باشد (چنانکه میر می‌گفته، typological thinking)، ناگزیر از این هستید که فقط به معیار کاربرد تکیه نکنید، چون بحث میر (که در واقع نقد تفکر ذات‌باور است)، اساساً ذیل فلسفه زیست‌شناسی (و مشخصاً اپیستمولوژی نظریه تطور) تعریف می‌شود و اتفاقاً او نقدهایی جدی هم به ذات‌باوری وارد کرده که این قطعاً به معنی دفاع

تمام‌قد از رده‌بندی لینه‌ای نیست. اجازه بدهید بخشی از کتاب Populations, Species, and Evolution (میر (صفحه ۱۱) را در اینجا مستقیماً نقل کنم که در آن موضعش را به‌وضوح در قبال ذات‌باوری (که جوهره فلسفی رده‌بندی لینه‌ای به حساب می‌آید) مشخص کنم.

“The typological species concept, going back to philosophies of Plato and Aristotle (and thus sometimes called essentialist concept), was the species concept of Linnaeus and his followers”.

... دقت کنید که در اینجا موضعش را از لینه جدا کرده؛ اما ادامه:

“... According to this concept, the observed diversity of the universe reflects the existence of a limited number of underlying “universals” or types (eidos of Plato). Individuals do not stand in any special relation to one another, being merely expressions of the same type ... The presence of the same underlying essence is inferred from similarity, and morphological similarity is therefore, the species criterion for the essentialist”.

خوب، تا اینجا «ذات باوری» را تعریف کرده (بگذریم از اینکه بعضی‌ها مثل ماری وینزور، در مقاله خود تحت عنوان Linnaeus’s Biology was not Essentialist، استدلال کرده‌اند که منظور لینه

اتفاقاً ذات باوری افلاطونی نبوده است)، اما میر در ادامه، نقد خودش را اینطور به این دیدگاه وارد می‌کند

“This is quite apparent from the difficulties into which a morphological-typological species concept leads in taxonomic practice. ... Indeed, its own adherents abandon the typological species concept whenever they discover that they have named as a separate species something that is merely an individual variant”.

پس تا اینجا معلوم می‌شود که میر، منتقد ذات باوری نهفته در رده‌بندی لینه‌ای بوده (که مشروح نقد او کل فصل ۳ کتاب فوق را به خود اختصاص داده است)؛ ضمن اینکه در مقدمه کتاب (صفحه ۵) هم صریحاً آورده است که:

“... Typological thinking is the other major misconception that had to be eliminated before a sound theory of evolution could be proposed”.

پس نمی‌دانم شما از کجا میر را مدافع نامدار رده‌بندی لینه‌ای دانسته‌اید. منظور میر از موضعی که خودش اتخاذ کرده (یعنی population thinking) چه بوده و او چگونه سعی می‌کرده از این طریق به سراغ تبارشناسی موجودات زنده برود؟ این موضوع تا حد زیادی دلالت‌های فلسفی دارد که فضا و مجال بحث درباره آن در اینجا فراهم نیست. اما این مقاله، به تفصیل این موضوع را به بحث گذاشته است:

<http://faculty.arts.ubc.ca/jbeatty/Sober1980.pdf>

پاسخ عرفان خسروی، نویسنده «جایی برای پیرمرد هانیست»

۱. رده‌بندی تکاملی یاداروینیستی نامی بود که خود میر برای نظام رده‌بندی مورد نظرش انتخاب کرده بود و در این نوشته نیز منظور از رده‌بندی تکاملی همان بوده است. رده‌بندی لینه‌ای نامی دیگر است که منتقدان میر بر رده‌بندی مورد نظر او گذاشته‌اند، چون اعتقاد داشتند رده‌بندی میر به هیچ‌وجه مبتنی بر تکامل و نظر داروین نیست. مسلماً کسی از ایشان ادعا ندارد که میر مطلقاً هر چه را لینه گفته بود، بازگو کرده است. مسئله اینجاست که میر بخشی از سنت به‌جا مانده از لینه را برای زیست‌شناسی کاربردی و مفید می‌پنداشت؛ این بخش مورد نظر میر، به دلیل تکیه بر مفاهیم غیر قابل سنجش، غیر عینی و کاملاً ذهنی، نمی‌تواند بخشی از علم تجربی باشد.

۲. نقد میر بر لینه و بر ذات‌باوری^۱ نافی مخالفت او با رده‌بندی فیلوژنتیک نیست. واضعان و پیروان رده‌بندی فیلوژنتیک [که امروزه غالب زیست‌شناسان تکاملی جزء همین دسته‌اند] نیز

منتقد ذات‌باوری هستند و نیز منتقد میر. میر افلاطون را به دلیل ترویج اندیشه ذات‌باورانه، «ضد قهرمان» تکامل می‌داند. ۳. بنده ادعا نکرده‌ام که میر مدافع ذات‌باوری است و این برداشتی است که شما از نوشته من دارید؛ اما با وجود دفاع شما، برآمد رده‌بندی مورد نظر میر، نگاهی شبیه به ذات‌باوری درباره گروه‌های بزرگ‌تر از گونه را در بر دارد که در مکتب مورد نظر میر، «مرحله»^۲ نامیده می‌شوند. هر چند که میر منتقد ذات‌باوری بوده، اما نگاه او به جانداران از یک نظر با ذات‌باوری وجهی مشترک دارد و آن هم باور به معیارهایی غیر عینی است. میر گروه‌هایی مانند «ماهی‌ها»، «خزندگان [منهای پرندگان]»، «آغازیان»، و «بی‌مهرگان» را معتبر و حقیقی می‌پندارد. البته این موضوع هم تا حد زیادی دلالت‌های زیست‌شناختی دارد که فضا و مجال بحث درباره آن در اینجا فراهم نیست، اما این مقاله که در همین نشریه (رشد آموزش زیست‌شناسی شماره ۹۳، زمستان ۱۳۹۲) به چاپ رسیده، به تفصیل این موضوع را به بحث گذاشته است.^۳

ان‌شالله پس
از تغییر کلی
کتاب‌های درسی
که امسال آغاز
خواهد شد،
جای کافی به
تحلیل محتوای
این کتاب‌های
جدید التالیف
اختصاص
خواهیم داد



میر تصور می‌کند درباره رده‌بندی خویشاوندان نزدیک پستانداران «می‌توان به دلخواه تصمیم گرفت»

از «مرحله خزندگان» می‌دهد، باور عمیق و ناخودآگاه او را به تفکری بسیار نزدیک به ذات‌باوری آشکار می‌کند. میر در فصل «کلان تکامل» همین کتاب دوباره به سراغ تکامل پستانداران می‌رود و می‌نویسد: «پلاتیپوس استرالیایی بدنش از مو پوشیده است، بچه‌هایش را شیر می‌دهد و دیگر خصوصیات پستانداران ابتدایی را داراست، اما همانند خزندگان تخم می‌گذارد و علامت مشخصه ویژه‌ای، تیغ سمی مانند خارپشت و نوکی مثل نوک اردک، دارد که «بن‌پست» تکاملی را نمایش می‌دهند. یک چنین سرعت ناهم‌سان تکاملی در خصیصه‌های متفاوت یک ارگانیسم، این به اصطلاح تکامل موزاییکی، می‌تواند دشواری‌هایی را در آرایه‌بندی پیش بیاورد». دم خروس آنچه که می‌توان نگاه شبه‌ذات‌باورانه آقای میر نامید، از همین جملات بیرون می‌زند. میر از سرعت «ناهم‌سان تکاملی» صحبت کرده و از اینکه پلاتیپوس مانند بقیه پستانداران بچه‌زا نیست نتیجه می‌گیرد که این ویژگی در این جاندار خاص «به کندی» تکامل یافته است؛ گویی قرار بوده همه پستانداران در همه ویژگی‌ها با سرعتی یکسان تکامل بیابند. تنها با نگاهی ذات‌باورانه می‌توان وجود پلاتیپوس را استثنایی و موجب دشواری تلقی کرد، زیرا در چنین نگاهی است که پستاندار مثالی و نوعی لزوماً باید بچه‌زا باشد.

۵. در درس نهم، می‌توان نقل قول دوم کتاب میر را اعتراف صریح خود او به وجود «دشواری‌هایی» در رده‌بندی مورد نظرش تلقی کرد. این دشواری‌ها در رده‌بندی فیلوژنتیک، که میر آن را نپذیرفت، هرگز رخ نمی‌دهد.

۴. نیم‌نگاهی به نوشته‌های خود میر می‌تواند ذهنی بودن معیارهای میر برای رده‌بندی جانداران را بهتر روشن کند. برای نمونه چند فراز از کتاب «تکامل چیست» میر (با ترجمه سلامت رنجبر) را ذکر می‌کنم. میر در فصل «کدام مدارک به وجود تکامل دلالت می‌کنند؟» به سنگواره‌های نیاکان پستانداران اشاره می‌کند و می‌گوید: «تکته جالب اینکه سنگواره‌های بعضی از شجره نسب‌ها و تبارهای تکاملی کامل هستند؛ مثلاً از گروه خزندگان (تراپسیدها) تا پستانداران. برخی از این سنگواره‌ها چنان آشکارا بین خزندگان و پستانداران قرار گرفته‌اند که می‌توان به دلخواه تصمیم گرفت که جزو کدام یک از دو گروه جای گیرند». توجه بفرمایید که میر تصور می‌کند درباره رده‌بندی خویشاوندان نزدیک پستانداران «می‌توان به دلخواه تصمیم گرفت»، ضمن این که خویشاوندان قدیمی‌تر پستانداران را که هنوز واجد ویژگی‌های مشترک اندکی با پستانداران بودند، جزء خزندگان قرار داده است. میر قائل به تصمیم دلخواه (بدون معیار، فاقد عینیت) درباره گروه‌هایی از موجودات زنده است و از سویی دیگر جاندارانی را که به دلیل معیاری عینی، یعنی شباهت‌های متعدد آناتومیک خویشاوند نزدیک‌تر پستانداران شمرده می‌شوند (و نه «مارمولک» و «مار» و «تمساح» و «لاک‌پشت») تنها به این دلیل که هنوز واجد تمام خصوصیات پستانداران نیستند، به دسته «خزندگان» می‌افکند. گرچه نگاه پشت این جمله را نمی‌توان ذات‌باورانه شمرد، اما نشانی که میر

باید ماه‌ها پیش از انتشار آماده و تحویل شوند، بنابراین، ذکر اخبار و گزارش‌هایی که سریع منقضی می‌شوند، از جمله اخبار و گزارش‌های مربوط به کنکور در این نشریه میسر نیست.

تحلیل محتوای کتاب‌های درسی را در مجله بگنجانید.

کتاب‌های درسی فعلی، که بیش از یک دهه عمر دارند، تاکنون به اندازه کافی مورد بررسی، نقد و تحلیل و اصلاح قرار گرفته‌اند؛ اما اگر بازم مقاله‌ای مناسب در تحلیل محتوای این کتاب‌ها به دستمان برسد، حتماً آن را منتشر خواهیم کرد؛ اما انشالله پس از تغییر کلی کتاب‌های درسی که امسال آغاز خواهد شد، جای کافی به تحلیل محتوای این کتاب‌های جدیدالتألیف اختصاص خواهیم داد.

* پی‌نوشت‌ها

1. essentialism
2. grade
3. www.roshdmag.ir/fa/article/9640

کشور همراه با پرسش‌های دیگر المپیادهای علمی، همراه با پاسخ آن‌ها روی وبگاه باشگاه دانش‌پژوهان جوان که مسئول و برگزارکننده المپیادهای کشور است، منتشر می‌شود. برای به دست آوردن این پرسش‌ها می‌توانید به این وبگاه به نشانی www.ysc.ac.ir مراجعه کنید؛ بنابراین، نیازی به اشغال صفحه‌های محدود این نشریه برای درج آن‌ها نیست.

عکس دانش‌آموزان برتر کنکور را روی جلد قرار دهید.

معمولاً درباره دانش‌آموزان برتر کنکور به اندازه کافی عکس و مصاحبه و مطلب در مطبوعات کشورمان منتشر می‌شود که نیاز به تکرار آن‌ها در مجله رشد آموزش زیست‌شناسی احساس نمی‌شود. در عوض، چندی است تصاویر روی جلد این نشریه از حیات وحش گیاهی و جانوری کشورمان انتخاب می‌شوند که کار عکاسان حرفه‌ای حیات وحش هستند. به علاوه، چون مطالب و نوشته‌های این نشریه

● در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۹۳ نشستی با حضور مسئولان دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با معلمان و سرگروه‌های دروس مختلف استان همدان برگزار شد. در آن نشست، ضمن اظهار لطف، پرسش‌ها و پیشنهادهایی از سوی سرگروه محترم گروه آموزشی زیست‌شناسی استان همدان مطرح شده بود. چون نه اینجانب و نه هیچ‌یک از دیگر مسئولان فصل‌نامه رشد آموزش زیست‌شناسی برای پاسخ‌گویی، در آن جلسه، حضور نداشتند، بدین وسیله، ضمن تشکر از همکاران محترم، در اینجا به پرسش‌های آنان که ممکن است پرسش‌های بسیاری از دیگر خوانندگان این نشریه باشند، پاسخ می‌دهیم؛ با این امید که این همکاران همچنان ما را از نظرهای خود آگاه کنند.

پرسش‌های المپیاد زیست‌شناسی کشور را منتشر کنید.

معمولاً پرسش‌های المپیاد زیست‌شناسی